

## مطالعه موردی جنبش‌های اجتماعی زنان در کشورهای ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی

نعیما محمدی<sup>۱</sup>

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

کمال جوانمرد<sup>۲</sup>

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۲۷

### چکیده

مسئله تحقیق حاضر تنوع مطالبات سازمان‌های زنان در چهار کشور اسلامی شامل ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی است که به بلوک فرهنگی-دینی واحدی تعلق دارند. جهت تبیین این مسئله با استفاده از روش مطالعه چندموردی (تکنیک پرسشنامه و تحلیل متن) و با استمداد از تئوری اکسل هونت به بررسی تأثیر سلطه سیاسی، قومیتی و مذهبی در شکل‌گیری جنبش‌های زنان در چهار کشور ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی پرداخته شد. در هر یک از این کشورها برحسب ساختارهای مختلف اجتماعی گونه‌های متنوعی از جنبش اجتماعی زنان غالب شده است که تنوع مطالبات زنان را توضیح می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد ۶۶ درصد از تغییرات مربوط به تنوع مطالبات زنان در این جنبش‌ها تابع ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی است. با توجه به این مقدار بخش اول فرضیه تحقیق مبنی بر تابعیت تنوع مطالبات زنان از ساختارهای مذکور تأیید شد. به‌منظور آزمون تئوری هونت و فرضیات تحقیق از تحلیل درختی با استفاده از نرم‌افزار CART استفاده شد، نتایج این آزمون نشان داد به‌دلیل سهم زیاد ساختارهای سیاسی در تبیین تنوع مطالبات زنان، میان جنبش زنان در مالزی و ترکیه از یک سو و جنبش زنان در مصر و عربستان از سوی دیگر شباهت بیشتری وجود دارد. نتایج به‌دست آمده همچنین در راستای تأیید فرضیات تحقیق نشان داد جنبش غالب زنان در ترکیه و مصر علیه اختلال در به‌رسمیت‌شناسی زنان، در عربستان سعودی علیه انکار در به‌رسمیت‌شناسی زنان و در کشور مالزی تابع توان بسیج است.

**واژه‌های کلیدی:** جنبش اجتماعی زنان، نظریه به‌رسمیت‌شناسی، ساختار سیاسی، ساختار قومیتی، ساختار مذهبی، کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و تحلیل درختی.

1. Naima.mohammadi@uk.ac.ir

2. javanmardkamal@yahoo.com

## طرح مسئله

جنبش‌های رهایی‌بخش از دهه ۱۹۶۰ به بعد با دغدغه دستیابی زنان به حقوق سیاسی و اقتصادی آغاز شدند (Jeremy, 2001: 89). موضوع نبرد اجتماعی زنان در این دوره نزاع برای شناسایی بود (Watanabe, 2001: 806). این تلاش‌ها ابتدا در اروپای غربی و سپس با حفظ مطالبات اصلی در آمریکا طرح شد و سیر نسبتاً مشخصی را پشت سر گذاشت (قانع‌راد و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۷). اگرچه در زمانی نسبتاً دیرتر زنان در کشورهای اسلامی هم مبارزاتی برای به رسمیت‌شناسی<sup>۱</sup> هویت اجتماعی خود علیه تسلط مردانه<sup>۲</sup> شکل دادند؛ اما همواره دامنه وسیعی از تناقضات و پیچیدگی‌ها در تبیین ماهیت جنبش زنان مسلمان وجود دارد.

با توجه به این‌که همه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی فرهنگ دینی واحدی دارند، طبق نظریات مکتب انتقادی و کارکردی انتظار می‌رود مطالبات زنان در این کشورها همگونی بیشتری داشته باشند. در حالی که شواهد زیادی مبنی بر وجود مطالبات متناقض زنان در این کشورها وجود دارد که از طریق سازمان‌های جنبش پیگیری می‌شود. یک دسته از این مطالبات توسط فمینیست‌های دینی شکل گرفته‌اند که جنبش‌های غیراسلامی، ضداسلامی و فمینیست‌های اسلامی<sup>۳</sup> را در خود جای می‌دهند. پیگیری این مطالبات در برخی از این کشورها از طریق شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی انجام شده است و در برخی دیگر از این کشورها اساساً جنبش به معنای جامعه‌شناختی آن هنوز شکل نگرفته است. در هر حال شواهد زیادی نشان می‌دهند در یک دهه اخیر نخبگان حاکم در جوامع اسلامی از سوی طیف‌های مختلف زنان اعم از گروه‌های اسلام‌گرا و سکولار که همگی خواهان به رسمیت‌شناسی هویت و حقوق‌شان هستند تحت فشار قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال ترکیه از طریق دیپلماسی فرهنگی کوشیده است با شناسایی مفهوم سازی و سیاست‌گذاری عناصر عام و جهان‌شمول فرهنگی ضریب نفوذ خود را ارتقاء دهد (دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۵). به منظور روشن شدن مسئله وجود تنوع و تناقض مطالبات زنان در کشورهای مختلف اسلامی به چالش‌برانگیزترین این موضوعات اشاره می‌شود:

### 1. Struggle For Recognition

### 2. Mail Domination

۳. فمینیسم اسلامی از اوایل سال ۱۹۹۰ در پاسخ به ناکامی‌های مکتب سکولاریسم و بنیادگرایی اسلامی در اعمال سیاست‌های جنسیتی در برخی کشورهای مسلمان نظیر مصر و ایران رواج پیدا کرد (Badran, 2005: 7).



از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز زنان در کشورهای اسلامی مسأله «ازدواج و خانواده» است. مواضع هر یک از دولت‌های اسلامی در قبال این پدیده اجتماعی متفاوت است و به تبع آن مطالبات زنان در سال‌های اخیر نیز به اشکال مختلفی مطرح شده است. بعد از کنفرانس بین‌المللی ۱۹۱۷ دیری نپایید که بسیاری از کشورهای دموکرات اسلامی به ازدواج چندزنی پایان دادند و آن را غیرقانونی و مشمول مجازات‌های مدنی قرار دادند از جمله این کشورها می‌توان به دولت ترکیه، بنگلادش، لبنان، مالزی، اندونزی، الجزایر و... اشاره کرد (Karam, 1998: 9). اگرچه اسلام‌گرایان در این کشورها چنین ممنوعیتی را غیرشرعی می‌دانند، اما با توجه به ضرورت‌های مدنی با اجرای آن مخالفتی ندارند. یکی از مهم‌ترین دلایل چنین توافقی میان سازمان‌های زنان اسلام‌گرا با مواضع غیرمذهبی دولت تفوق سیاست‌های تجددگرایانه و تأثیر نهادهای غرب در این کشورها است (Haller, 12:2011). در برخی از کشورهای عربی خانواده با حفظ کارکردهای پیشین خود همچنان تابع سنت صدر اسلام است (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). در عربستان، کویت، امارات، بحرین، عمان، مراکش و بسیاری دیگر از کشورهای عربی و آفریقایی مسئله تعدد زوجات نه تنها امری نکوهیده و غیرقانونی نیست که طرفداران زیادی هم دارد (Al-Krenawi, 1997: 419).

همان‌طور که مطرح شد تعدد زوجات به عنوان یک پدیده اجتماعی در برخی کشورهای اسلامی به صورت امری هنجارمند و قانونی پذیرفته شده است. در گروهی دیگر از کشورهای اسلامی در نتیجه اعتراض فعالان حقوق زنان و قدرت جامعه مدنی امروز امری غیرقانونی است و جرم تلقیمیشود (محمدی و شیخی، ۱۳۸۸: ۲۱).

این اختلاف نظرها حتی درخصوص «مسأله حجاب» نیز وجود دارد؛ موضوعی که اندیشمندان غربی و فمینیست‌های لیبرال از آن به عنوان نماد قدرتمند ظلم به زنان مسلمان نگاه می‌کنند در جهان اسلام به انحاء مختلف مورد توجه قرار گرفته است. قاسم امین متفکر لیبرال مصری حجاب را خشونت علیه زنان می‌داند و نظیر هزین الدین اندیشمند لبنانی به سختی از حجاب انتقاد و به دفاع از لباس مخصوص طبقه متوسط اروپایی برای زنان مسلمان می‌پردازد. از سوی دیگر رشید رضا، موسی کاظم و باحثات البادیه که از مهم‌ترین اندیشمندان جهان اسلام به‌شمار می‌روند معتقدند حجاب برای زنان مفید است و تنها راه ورود آنان به عرصه عمومی محسوب می‌شود (مهرآیین، ۱۳۸۸: ۲۴۳). هبه رئوف عزت فعال حقوق زنان و



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۴۸

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

دبیر سازمان اسلام‌گرای زنان مصری حجاب را به عنوان امری مطلوب و مشخصه زن مسلمان می‌داند و از سیاست‌های سکولار دولت مبارک انتقاد می‌کند.

البته عملکرد دولت‌ها نیز در قبال مطالبات سازمان‌های زنان متفاوت است، در یک سمت دولت ترکیه، مصر (در دوره مبارک) و مالاوی قرار دارد که از منع حجاب زنان در عرصه عمومی<sup>۱</sup> سخن به میان می‌آورد و به دنبال آن مطالبه سازمان‌های زنان اسلام‌گرا مبتنی بر حفظ حجاب اسلامی شکل گرفته است. بنا به گزارش سرویس ترجمه شفقنا در مالاوی فاطمه نادیا، رئیس انجمن زنان مسلمان از جویس باندا رئیس جمهور این کشور خواسته است که دولت او اجازه دهد زنان مسلمان بتوانند در فضایی به دور از تبعیض قادر باشند در ادارات دولتی از حجاب اسلامی استفاده کنند. در سمت دیگر، دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که از حجاب زنان به مثابه پوشش رسمی و قانونی دفاع می‌کند و مبارزه با بدحجابی را یک وظیفه شرعی می‌داند (Moghadam, 1989:48).

تنوع مطالبات سازمان‌های زنان در خصوص موضوعات دیگری نظیر سقط جنین، حق طلاق، حق ارث، دیه، کارخانگی زنان، مالکیت خصوصی و ... نیز وجود دارد (احمدی، ۱۳۷۴: ۱۵). با توجه به تنوع مطالبات زنان در قبال سیاست‌های رژیم‌های مختلف اسلامی، جنبش‌های مختلفی بخش زنان با نقد درون‌مایه‌های نظام مردسالار خواهان تغییراتی در الگوهای رفتاری نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهت به رسمیت شناخته شدن هویت‌شان هستند که نقش عوامل ارزشی اعتقادی در آن چشمگیر است. از این رو در تحقیق حاضر مسئله اصلی تبیین انواع و سطوح مختلف مطالبات زنان در کشورهای مختلف عضو کنفرانس اسلامی است که جنبش‌های متنوعی علیه اختلال و انکار در به رسمیت شناسی<sup>۲</sup> هویت زنان مسلمان و توزیع ناعادلانه منابع در این کشورها تشکیل داده‌اند.

## سؤالات تحقیق

۱. چگونه ساختار سیاسی بر جنبش زنان در کشور ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی تأثیر گذاشته است؟

۱. در این کشورها مشارکت زنان محجبه در مراکز دولتی، عرصه سیاسی و پارلمان ممنوع است.

2. Misrecognition and Ignore

۲. چگونه ساختار مذهبی بر جنبش زنان در کشور ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی تأثیر گذاشته است؟

۳. چگونه ساختار قومیتی بر جنبش زنان در کشور ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی تأثیر گذاشته است؟

### چارچوب نظری

اساساً عرصه به رسمیت شناسی مبتنی بر مفهوم «تفاوت»<sup>۱</sup> است. تفاوت، ایده محوری آن دسته مباحثات نظری است که هویت را به دیده ذاتی از پیش داده شده و ملتزم به صفات یک گروه نمی‌نگرند، بلکه معتقدند هویت طی رشته‌ای از فرایندها قوام می‌پذیرد. موضوعی که در مرکز توجه جرج هربرت مید<sup>۲</sup> قرار دارد. او با تشخیص این مهم که باید زبان و گفتار را محصولات اجتماعی دانست، کثرت و تفاوت را در بستر تعامل اجتماعی و حیات گروهی تبیین می‌کند (دان، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۷). همین اصل زمینه‌ساز شکل‌گیری نظریه «به رسمیت شناسی» اکسل هونت<sup>۳</sup> شد. سیاست تفاوت، اشاره به این امر دارد که هر هویت مفروض دلالت و اعتبار خود را درون یک کل و از طریق نسبتش با دیگر هویت‌ها و به واسطه متمایز گشتن از آن‌ها کسب می‌کند (دان، ۱۳۸۵: ۹۶).

از دیگر مفاهیم نظری که بر مقوله هویت و سیاست به رسمیت شناسی تأثیر گذاشتند می‌توان به مفهوم «سیاست منزلت» در مقابل «سیاست طبقاتی» و «سیاست زندگی» اشاره کرد (فرونند، ۱۳۸۴: ۳۲). در این عرصه، آن بخش از زندگی افراد که به ظاهر امری شخصی تلقی می‌شود، در واقع امر سیاسی است. بنابراین غایت سیاست دگرگونی و تحقق خود است (گیدنز، ۱۳۸۵). عرصه سیاست زندگی قرابت بسیاری با مفهوم «سیاست هویتی» دارد به همین دلیل است وارت هالبر اهمیت جنبش فمینیسم در بازسازی هویت زنانه و مردانه بر مبنای سیاست تفاوت و هویت تأکید می‌کند (هاردینگ، ۱۳۸۵: ۲۷۳).

هونت در طرح تئوری به رسمیت شناسی ضمن بهره بردن از مفهوم «سیاست زندگی» و ترکیب آن با مفهوم «شایستگی زندگی» و «سیاست رهایی بخش» این مفاهیم را با «نظام زندگی

1. Difference

2. George Herbert Mead

3. Axel Honneth



اخلاقی» هگل تلفیق می‌کند و از جنبش فمینیسم به‌عنوان یکی از موفق‌ترین جنبش‌های اجتماعی جدید است که نبردی نهادی برایش ناسایی روانی (فمینیسم روان‌کاو)، شناسایی سیاسی و اجتماعی زنان یاد می‌کند. در جدول شماره ۱ مراحل تکوین هویت در نظریه هونت نشان داده شده است.

مراحل تکوین هویت در نظریه هونت

اشکال بی‌حرمتی	اشکال به‌رسمیت‌شناسی	اشکال ارتباط با خود
غفلت و سوء استفاده	به‌رسمیت‌شناسی روانی (خانواده)	اعتماد به نفس
خشونت قانونی	به‌رسمیت‌شناسی حقوقی (جامعه مدنی)	حرمت نفس
خشونت نمادین	به‌رسمیت‌شناسی اجتماعی- سیاسی (دولت)	کرامت نفس



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

منبع (Fleing, 2008:221)

به اعتقاد هونت پیوستن به جنبش به‌رسمیت‌شناسی صرفاً احساس بی‌عدالتی سوژه در شناسایی نیست؛ بلکه توجیه حقوقی و اجتماعی-سیاسی برای قربانی شدن است. افراد زمانی تمایل به سمت جنبش دارند که امیدی به توافق‌های بعدی و توجیه عقلانی نظام سلطه وجود نداشته باشد. جنبش به‌رسمیت‌شناسی زمانی رخمی دهد که هویت برخی گروه‌های اجتماعی به‌رسمیت شناخته نمی‌شود؛ خواهان هویت مورد انکار قرار بگیرد، خواهد شناسایی بخشی از آن اختلال ایجاد شود. قربانیان انکار از ساز و کارهای خشن‌تری برای اثبات وجود خود استفاده می‌کنند؛ زیرا این افراد فقط علیه انکارکنندگان نمی‌جنگند، بلکه همزمان نهادهای هنجاری در نظم اجتماعی را عقب می‌رانند. در این شرایط فرد امکان ابراز هویت خود را در عرصه اعتماد، حرمت و منزلت پیدا می‌کند. افرادی که شناسایی بخشی از هویت شان مختل شده است در ساز و کارهای شان علیه سلطه هنجارمندتر عمل می‌کنند (Honnet, 2002:65). با توجه به این ویژگی‌های برجسته، هونت در تبیین گوناگونی جنبش‌های اجتماعی هرگز از نقش تعیین‌کننده ساختارها عدول نمی‌کند؛ اما بر خلاف فوکو بر شکنندگی قدرت نیز توجه دارد. او هم‌صدا با فوکو، لا‌کلاو و موف معتقد است تعابیر مختلفی از عدالت وجود دارد و

جنبش به رسمیت شناسی تقاضا برای تضعیف سلطه موجود علیه نظم جهان زیست و نظام اجتماعی است (Deranti, 2007: 96). هونت مبارزه گروه‌های ناراضی را بر مبنای احساس بی عدالتی در دوسطح توضیح می‌دهد:

۱. اختلال در به رسمیت شناسی (گروه‌های تحقیر شده‌ای که شناسایی آن‌ها مختل شده است). کنشگران مخالفی که در برابر تلاش نهادهای سیاسی جهت به تأخیر انداختن شناسایی هویت‌ها و موکول کردن آن به توافقی‌های بعدی با هنجارهای ارزشی - اعتقادی مخالفت می‌کنند. قربانیان در چنین فضایی از ابزارهای خشنی استفاده می‌کنند تا مانع بازتولید انکار هویت و یا طردشدگی‌شان در سیستم به صورت هنجاری شوند.

۲. انکار در شناسایی (گروه‌های تحقیر شده‌ای که اساساً با مفهوم مرگ هویت اجتماعی مرتبط‌اند که به تنزل فرهنگی در جهان - زیست منجر می‌شود). گروه‌های اجتماعی انکار شده‌ای که از طریق نهادهای فراملی و با تأکید بر قواعد بین‌الملل نبردشان را سیاسی می‌کنند و با هنجارها و ارزش‌های سیاسی درگیر می‌شوند. از نظر مخالفان دولت این نهادهای بین‌المللی هستند که با تعریف خود از عدالت اجتماعی، به رسمیت شناسی و عدم به رسمیت شناسی را تعریف می‌کنند (Marphy, 2010: 76-77).

در عین حال به نظر می‌رسد در تبیین جنبش‌های زنان در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی مقاومت‌هایی از سوی فمینیست‌های اسلام‌گرا مطرح شده است. مسأله فمینیسم در عرصه سیاسی مقابله با سلطه مردانه است. معنای رستگاری اجتماعی و رهایی بخشی در این مکتب مقابله با دیدگاه‌های صرفاً اقتصادی و سیاسیست. زیرا چنین رویکردهای آلمان‌شهر فمینیسم را به اصول چپ افراطیبا راست محافظه‌کار تقلیل می‌دهند (Honneth, 1999: 38). اگر تجربه فمینیست‌های اسلامی بسط پیدا نکند، فمینیسم به رویکردهای سکولار محدود می‌شود. به همین دلیل اکنون «تفاوت» در دستور کار رویکردهای فمینیستی قرار دارد (مک-لافین، ۱۳۸۹: ۱۶). برخی از محققین، فمینیسم اسلامی را رویکردی مساوات طلبانه جهت تحقق عدالت جنسی در قالب ارزش‌های اسلامی دانسته‌اند (شهیدیان، ۱۳۷۷: ۶۲۲). همه این شواهد نشانگر تمایل جنبش فمینیسم به گسترش مرزهای خود و تقویت سیاست به رسمیت شناسی است.

بر اساس مباحث نظری مطرح شده، تبیین مسئله تنوع مطالبات در جنبش‌های زنان با



توجه به ساختارهای سلطه انجام می‌شود. طبق نظریه هونت آن چیزی که مشروعیت وضع موجود را به‌مخاطره می‌اندازد، نوآوری ایدئولوژیک را تسریع می‌کند و موجب بی‌ثباتی و شوک بیرونی می‌شود شکل‌گیری یک جنبش غالب براساس ساختارهای سلطه در عرصه سیاسی، قومیتی و مذهبی است. هونت از چنین وضعیتی تحت عنوان «بحران در نظام اخلاقی» جامعه یاد می‌کند.

### فرضیات تحقیق

واریانس تنوع مطالبات زنان تابعی از ساختار سیاسی، قومیتی و مذهبی است، به‌طوری‌که در:

۱. کشورهای دارای سلطه یک‌جانبه جنبش غالب علیه اختلال در شناسایی هویت زنان شکل می‌گیرد.

۲. کشورهای دارای سلطه چندجانبه جنبش غالب علیه انکار در شناسایی هویت و نابرابری جنسیتی شکل می‌گیرد.

۳. کشورهای فاقد سلطه سیاسی و قومیتی جنبش زنان براساس توان بسیج شکل می‌گیرد.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۵۲

### روش تحقیق

این مطالعه از نوع تبیینی است و در مقام آزمون فرضیات از روش مطالعه موردی چندگانه<sup>۱</sup> استفاده شده است. واحد تحلیل، جنبش اجتماعی زنان، سطح تحلیل، کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و واحد مشاهده، افراد و سازمان‌های فعال زنان است. در این تحقیق جنبش‌های اجتماعی زنان به‌شکل مقطعی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفتند.

از آن‌جا که در برخی از تحقیقات اجتماعی اعم از کیفی و کمی که محقق درصدد تعمیم نتایج خود نیست، استفاده از نمونه‌گیری غیرتصادفی مرسوم‌تر است. به همین منظور در این مطالعه از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی چندمرحله‌ای با هدایت نظریه و به‌صورت هدفمند استفاده شده است. در مرحله اول، از بین ۵۷ کشور عضو کنفرانس اسلامی نمونه‌هایی انتخاب شد که از یک سو مطالعه آن امکان‌پذیر باشد و از سوی دیگر نمونه مورد بررسی تیپ ایده‌آل آن مجموعه محسوب شود. بنابراین، سه شرط

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳





علی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد: ۱) ساختار سیاسی (اقتدارگرا/ دموکراتیک)، ۲) ساختار قومیتی (تمرکز قومی/ تكثر قومی)، ۳) ساختار فرهنگ دینی (شریعت‌گرا/ سکولار). این متغیرها در نسبت با متغیر مداخله‌گر «وضعیت جنبش» انتخاب شدند که شامل دو شاخص «توانمندسازی جنسیتی» و «توسعه جنسیتی» است. با توجه به دستگاه نظری تحقیق، جنبش‌های به رسمیت‌شناسی وقتی در نسبت با ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی قرار می‌گیرند منطقاً در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

۱) کشورهای فاقد تمرکز، جنبش به رسمیت‌شناسی در این گروه بر اساس بسیج جمعیت زنان شکل می‌گیرد. از میان کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، بورکینافاسو، نیجریه، مالدیو، موزامبیک، مالزی و اندونزی با توجه به شرایط ساختاری (متغیرهای مستقل تحقیق) در این گروه جای می‌گیرند که با توجه به میزان دسترسی محقق به داده و اطلاعات در این خصوص سازمان زنان در کشور مالزی انتخاب شد.

۲) کشورهای تمرکزگرای تک قطبی، کشورهایی که تنها در یکی از ساختارهای مشخص شده دارای سلطه و تمرکز هستند. در این گروه از کشورها جنبش علیه اختلال در به رسمیت‌شناسی شکل می‌گیرد که شامل مصر، تونس، ترکیه، سودان و کویت می‌شوند. نمونه انتخابی در این گروه مصر و ترکیه است. در مصر تمرکز سیاسی و در ترکیه تمرکز قومی وجود دارد.

۳) کشورهای تمرکزگرای دو قطبی؛ کشورهایی هستند که جنبش علیه نابرابری و انکار هویت زنان در آن مفروض است و شامل الجزایر، عربستان، سوریه، پاکستان، عراق، امارات متحده عربی، عمان، موریتانی، نیجر، آذربایجان، توگو و کامرون می‌شوند. نمونه انتخابی از میان کشورهای این گروه عربستان سعودی است.

مرحله دوم به نمونه‌گیری از میان سازمان‌های جنبش زنان اشاره دارد. بدیهی است در هر یک از این چهار کشور سازمان‌های متعددی وجود دارند که در عرصه‌های مختلف مطالبات متنوعی را مطرح می‌کنند. بر اساس تئوری تحقیق لازم است جنبش غالب زنان<sup>۱</sup> در هر کشور شناسایی شود. این روند از طریق ارائه یک پرسشنامه به خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه

۱. منظور از جنبش غالب زنان، سازمان‌های زنان در شهرهای بزرگ یا پایتخت آن کشور است که دارای بیشترین عضو، تأثیرگذارترین فعالیت است و مطالبات آن‌ها وجه به رسمیت‌شناسی دارند. بنابراین سازمان‌های خیریه، صلح، بهداشتی و... جزء نمونه مورد بررسی قرار نگرفتند.

در هر کشور انجام شد. بنابراین در انتخاب جنبش غالب در هر کشور سراغ محققین رفته و از آن‌ها خواسته شد تا بر اساس معیارهای مشخص شده سازمان و جنبش غالب زنان در کشورشان را معرفی کنند.

در نهایت، حجم نمونه در مطالعه حاضر شامل چهار سازمان جنبش اجتماعی غالب زنان است که در ترکیه انجمن همکاری زنان حاشیه‌ای، در مصر انجمن جامعه عرب و زنان، در عربستان سعودی کمیته اسلامی بین‌المللی برای زنان و کودکان<sup>۱</sup> و در مالزی انجمن اقدام زنانه مالزی می‌باشد.

بعد از انتخاب نمونه‌های مورد بررسی برای سنجش تنوع مطالبات زنان از پرسشنامه استاندارد آنا ساریز<sup>۲</sup> محقق مسائل زنان در دانشگاه مونترال<sup>۳</sup> استفاده شد. اعتبار این پرسشنامه ۹۵/۰ گزارش شده است، خانم سیدات - مدیر انجمن مطالعات اسلامی زنان - در دانشگاه مک گیل<sup>۴</sup> به بومی سازی این پرسشنامه با فرهنگ اسلامی پرداخت. ضریب آلفای کرونباخ هر مقیاس در این تحقیق برای سنجش «تنوع گرایش‌ها» و «تمایلات اعضا به موضوع حقوق زنان» ۷۶/۰ به دست آمد.

جهت تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون و درخت تصمیم‌گیری استفاده شد. ساختار درختی برای پیش‌بینی مقدار متغیر وابسته (پیوسته یا طبقه‌بندی شده) به کار می‌رود و یکی از ابزارهای مهم در داده‌کاوی<sup>۵</sup> است. مدل درختی به عنوان یک تقسیم‌کننده بازگشتی عمل می‌کند، زیرا یک مجموعه واحدی را به صورت تصاعدی به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کند. هدف اصلی این تقسیم‌بندی مشخص کردن بیشترین تجانس متغیر در هر زیرگروه است. نتیجه اساسی مدل‌های درختی رسیدن به یک تقسیم‌بندی نهایی از متغیرهای طبقه‌بندی شده مهم و تأثیرگذار است (ساکی، ۱۳۸۸: ۵۹).



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام  
جمعیت در اسات العالم الاسلامی

۱۵۴

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

۱. این سازمان دارای یک شعبه مرکزی در نیویورک است که فعالیت‌های مربوط به زنان در آن انجام می‌شود.

2. Anne Saris

3. Montreal University

4. McGill University

۵. منظور از داده‌کاوی جستجوی یک الگوی خاص بین انبوه داده‌هایی است که بنا به چارچوب نظری تحقیق قابل طبقه‌بندی است.

## یافته‌های تحقیق

در این قسمت به بررسی فرضیات تحقیق بر اساس متغیر تنوع مطالبات زنان (موضوعات مبارزه و گرایش‌های مختلف زنان نسبت به مشارکت در جنبش) برحسب کشور و نسبت آن با جنبش‌های علیه انکار و اختلال در شناسایی زنان پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱ بررسی مقایسه‌ای موضوع مطالبات جنبش زنان برحسب کشور

کشور	ترکیه	مصر	عربستان	مالزی	گویه
	درصد وزنی	درصد وزنی	درصد وزنی	درصد وزنی	
محروریت سیاسی	۵/۱۹۷	۷/۳۷۳	۵/۴۳۷	۱/۱۳۶	موضوع مبارزه
خشونت خانگی	۳۹۰	۴/۱۴۴	۷/۳۸۷	۱/۳۹۴	
نابرابری اقتصادی	۱۹۰	۱۷۲	۲/۴۰۵	۵/۲۱۵	
تبعیض نژادی	۴۴۰	۲/۱۳۳	۴/۳۹۳	۲/۱۹۸	
غربی شدن	۱۱۰	۶/۴۰۶	۲۲۵	۵/۱۶۳	
کلیشه‌های جنسیتی	۵/۴۱۷	۱۶۳	۵/۱۶۲	۱/۴۰۳	
قواعد اسلامی	۵/۳۷۲	۹/۱۲۵	۴۳۱	۲/۱۶۷	
مبارزان سیاسی	۲۳۰	۴/۴۰۷	۱/۴۰۶	۷/۱۲۷	سوژه تحقیر
اقلیت‌های قومی	۳۱۵	۱/۱۷۴	۲/۳۰۶	۱۹۸	
اقلیت‌های مذهبی	۲۰۵	۲/۳۵۵	۷/۴۵۶	۲/۱۲۴	
همجنس‌گرایان	۲۰۰	۲/۱۲۲	۴/۱۳۷	۷/۲۳۷	

ارقام مندرج در جدول شماره ۱ نشان می‌دهند مهمترین موضوع مورد توجه جنبش زنان عربستان سعودی (۵/۴۳۷٪) و مصر (۷/۳۷۳٪) محرومیت سیاسی است. بنابراین در این کشورها مبارزان سیاسی مهمترین سوژه‌های تحقیر معرفی شدند. درحالی‌که موضوع مبارزه جنبش زنان در ترکیه تبعیض نژادی (۴۴۰٪) است و مهمترین سوژه تحقیر برخلاف دیگر جنبش‌ها اقلیت‌های قومی (۳۱۵٪) اعلام شده‌اند. در مالزی کلیشه‌های جنسیتی (۶/۴۸۴٪) موضوع مورد توجه جنبش است. از آن‌جا که در این کشور سلطه سیاسی و غلبه قومیتی - مذهبی در مقایسه با کشورهای مصر، عربستان و ترکیه کمتر است، زدودن کلیشه‌های جنسیتی

از باورهای اجتماعی موضوع محوری جنبش محسوب می‌شود. بر همین اساس مطالبات زنان در مالزی حول دفاع از گروه‌های مطرودی نظیر هم‌جنس‌گرایان (۷/۲۳۷٪) است تا با گسترش دادن مرزهای حقوق مدنی، شهروندان بیشتری شناسایی کند و از این طریق توان بسیج را افزایش دهد. جنبش زنان در مالزی در این حوزه پیشروتر از جنبش زنان در ترکیه (۲۰٪)، مصر (۲/۱۲۲٪) و عربستان سعودی (۴/۱۳۷٪) است.

آمار و ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد موضوع مطالبات زنان در این جنبش بیش از دیگر جنبش‌ها پیرامون خشونت خانگی (۱/۳۹۴٪) است. در خصوص موضوع کلیشه‌های جنسیتی نیز جنبش زنان در مالزی با فاصله بسیار اندک (۱/۴۰۳٪) بعد از جنبش زنان در ترکیه (۵/۴۱۷٪) به این موضوع توجه نشان داده است.

جدول شماره ۲ بررسی مقایسه‌ای گرایش‌های اعضای نسبت به مشارکت در جنبش

کشور	ترکیه	مصر	عربستان	مالزی	گویه
	درصد وزنی	درصد وزنی	درصد وزنی	درصد وزنی	
هدف مشارکت	افزایش سطح رفاه	۳۲۰	۶/۳۴۳	۵/۲۴۷	۹/۳۰۱
	حذف محرومیت سیاسی	۵/۲۲۷	۴۶۳	۲/۴۰۶	۸/۱۵۶
	ارتقاء منزلت اجتماعی	۴۵۵	۵/۳۳۶	۵/۲۶۲	۲/۴۴۸
	حقوق اولیه	۱۳۰	۵/۱۶۶	۲/۴۵۰	۵/۱۲۰
موانع مشارکت	ساختارهای سیاسی	۲۲۵	۴۲۴	۴/۳۸۷	۴/۱۷۷
	اقتصاد سرمایه‌داری	۵/۲۵۲	۴/۳۴۰	۸/۱۷۴	۲/۲۲۴
	ساختارهای مذهبی	۳۵۰	۳/۱۳۸	۴۰۰	۶/۲۹۱
	باورهای قالبی	۵/۳۵۲	۵/۲۱۸	۴/۳۵۶	۱/۲۵۱
ایدئولوژی‌رهای بخش	سکولاریسم-لیبرالیسم	۴۰۵	۵/۱۲۲	۴/۲۶۲	۱/۴۰۷
	سکولاریسم-سوسیالیسم	۵/۳۸۲	۹/۱۸۸	۲/۲۰۰	۷/۱۲۶
	اسلام اصلاح طلب	۲۰۰	۳/۴۵۹	۳/۴۴۶	۹/۳۰۸
	ناسیونالیسم	۳۰۰	۷/۲۲۵	۵/۳۰۶	۶/۴۰۶



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام  
جمعیت دراسات العالم الاسلامی

۱۵۶

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

آمار و ارقام مندرج در جدول شماره ۲ نشان می‌دهند مهمترین هدف جنبش زنان در کشور ترکیه (۴۵۵٪) و مالزی (۲/۴۴۸٪) ارتقاء منزلت اجتماعی زنان است، در حالی که هدف جنبش زنان در مصر (۴۶۳٪) حذف محرومیت‌های سیاسی است. اگرچه جنبش زنان در مصر گرایش به سمت افزایش رفاه زنان (۶/۳۴۳٪) را هم در اهداف خود نشان می‌دهد اما وجه غالب جنبش حول اهداف سیاسی شکل گرفته است. در عربستان وجه بارز جنبش که به عنوان هدف اصلی مشخص شده شناسایی حقوق اولیه مدنی زنان (۲/۴۵۰٪) است. اگرچه در این کشور حذف محرومیت‌های سیاسی (۲/۴۰۶٪) از گرایش‌های مهم به شمار می‌رود، اما در مقایسه با دیگر کشورها با فاصله زیادی گرایش به سمت شناسایی حقوق شهروندی زنان مطرح می‌شود.

در هر یک از این جنبش‌ها موانع پیش روی زنان در ساختارهای مختلف نظام مردسالار مستتر است که نوک تیز پیکان مبارزه را به آن سمت نشانه می‌رود. آمار و ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد جنبش مصر گرایش به نقد نظام مردسالار در عرصه سیاسی (۲۲۵٪) و اقتصاد سرمایه‌داری (۴/۳۴۰٪) دارد، در حالی که جنبش زنان در ترکیه منتقد باورهای قالبی (۵/۳۵۲٪) و ساختارهای مذهبی (۳۵۰٪) است که ریشه در جامعه‌پذیری جنسیتی دارد. در عربستان موانع جنبش در مقایسه با دیگر کشورها ابعاد وسیع‌تری دارد، بطوری که ساختارهای مذهبی مردسالار (۴۰۰٪)، ساختارهای سیاسی مردسالار (۴/۳۸۷٪) و باورهای قالبی (۴/۳۵۶٪) مهمترین مانع مشارکت زنان معرفی شدند.

در این جدول همچنین به ایدئولوژی‌رهای بخش جنبش توجه شده است. آمار و ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهند اندیشه‌های سکولار در جنبش ترکیه خواه توأم با گرایش‌های لیبرال (۴۰۵٪) یا سوسیال (۵/۳۸۲٪) باشد، دارای اهمیت ویژه‌ای است. در جنبش مصر به شکل قابل توجهی گرایش به سمت اسلام اصلاح-طلب (۳/۴۵۹٪) مطرح است. اگرچه جنبش در عربستان نیز اسلام اصلاح‌طلب (۳/۴۴۶٪) را عامل رهایی‌بخشی زنان می‌داند، اما گرایش جنبش زنان سعودی به ایدئولوژی اسلامی کمتر از جنبش زنان مصر به دست آمده است. گرایش جنبش زنان در مالزی به سمت ایدئولوژی ناسیونالیسم (۶/۴۰۶٪) آن را از دیگر جنبش‌ها متمایز کرده است. از آن جا که در این جنبش تكثر قومیتی- مذهبی وجود دارد دامن زدن به گرایش‌های ملی‌گرایانه در ایجاد تعلق اعضا به جنبش نقش به‌سزایی بازی می‌کند.

## تحلیل رگرسیون

جهت سنجش شدت تأثیر ساختارهای سلطه سیاسی، قومیتی و مذهبی بر تنوع مطالبات جنبش زنان از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شده است. نظر به این که مدعای اصلی بخش اول فرضیه تحقیق تبعیت تنوع مطالبات زنان از ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی است، آزمون رگرسیون هم به سنجش تنوع مطالبات زنان و هم به سنجش تنوع جنبش زنان پرداخته است. جدول شماره ۵-۳-۵ نتایج تحلیل رگرسیون را برای تبیین تنوع مطالبات زنان نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ آزمون معناداری رگرسیون برای پیش‌بینی متغیر تنوع مطالبات زنان

مدل	مقدار R	$R^2$	$R^2$ تعدیل شده	F	سطح معنی‌داری
۱	۰/۸۲	۰/۶۷	۰/۶۶	۹۵/۵۱	۰/۰۰

ارقام مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ۶۶٪ از مجموع تغییراتی که در تنوع مطالبات زنان رخ می‌دهد با توجه به ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی قابل توضیح است.



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۵۸

جدول شماره ۴ ضرایب استاندارد رگرسیون تنوع مطالبات زنان

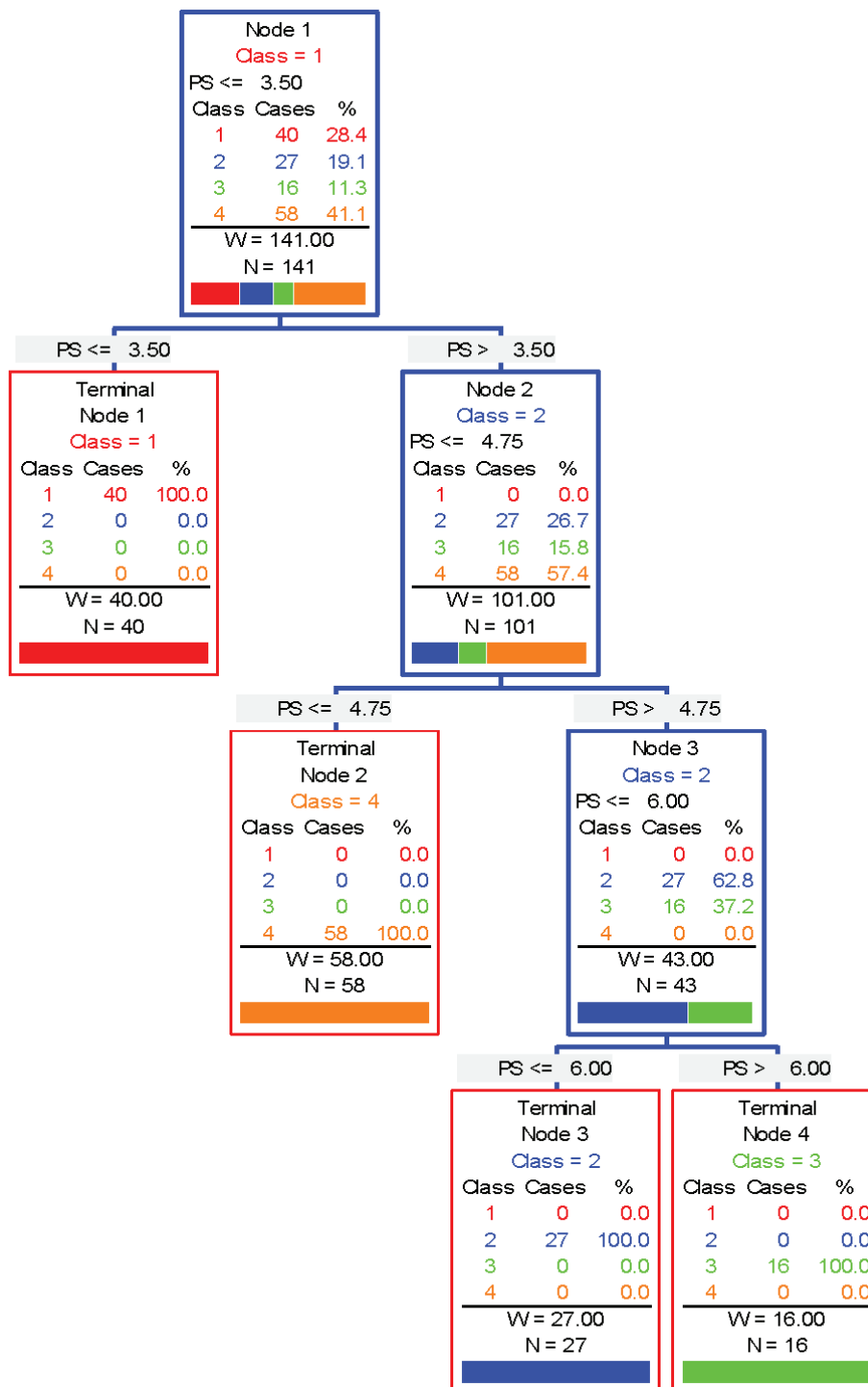
متغیر مستقل	B	خطای استاندارد	B	T	معنی‌داری
ساختار سیاسی	۲۴/۲۰	۱/۴۷	۰/۸۴	۱۶/۴۲	۰/۰۰
ساختار قومیتی	۸/۱۶	۱/۰۷	۰/۴۰	۷/۶۱	۰/۰۰
ساختار مذهبی	۹/۵۳	۱/۲۱	۰/۴۱۵	۷/۸۴	۰/۰۰

ارقام مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد مقدار بتا در ساختار سیاسی ۰/۸۴، در ساختار قومیتی ۰/۴ و ساختار مذهبی ۰/۴۱ به دست آمده است. این ارقام نشان می‌دهد شدت اثرگذاری ساختار سیاسی در تبیین تنوع مطالبات زنان دو برابر بیشتر از سهم متغیر مستقل ساختار قومیتی و مذهبی است.

## تحلیل درختی

در این بخش از تحقیق به منظور بررسی تأثیر سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بینی شده در هر کشور از نمودار درختی استفاده شده است. این نمودار قادر است این تغییرات را بر حسب

متغیرهای مهم و تأثیرگذار در هر کشور به تفکیک مشخص کند. همان طور که قبلاً مطرح شد این تحلیل کشورها را دوتا دوتا با هم مقایسه می کند.



نمودار درختی شماره ۱



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

در نمودار شماره ۱ طبقه یک نمایانگر وضعیت جنبش زنان در ترکیه، طبقه دو در مصر، طبقه سه عربستان سعودی و طبقه چهار وضعیت جنبش زنان در مالزی را بر اساس سهم مهمترین و تأثیرگذارترین متغیرها در تفکیک کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در نمودار نشان می‌دهد متغیر ساختار سیاسی در هر چهار کشور مهمترین عامل تفکیک جنبش زنان محسوب می‌شود. از میان کشورهای مورد بررسی عربستان و مصر به دلیل بالا بودن میانگین اقتدارگرایی در ساختار سیاسی در مقایسه با کشور مالزی و ترکیه مشابهت بیشتری با هم دارند. از آنجا که متغیر ساختار سیاسی به عنوان یک تبیین کننده قوی در معادله وارد شده است سهم متغیرهای دیگر نظیر ساختار قومیتی، موضوعات مبارزه، گرایش‌های زنان به مشارکت در جنبش و سازمان جنبش زنان را در تفکیک کشورها کنار زده است.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۶۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳



## نتیجه‌گیری

در این مطالعه تلاش شده است در سطح نظری با مروری تحلیلی بر نظریات جنبش‌های اجتماعی جدید استدلال‌های منطقی در خصوص دلایل تنوع مطالبات زنان در چهار کشور ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی ارائه شود. طبق نظریات جامعه‌شناسان، برحسب این‌که شکاف فعال در هر کشور کدام است، مبنایی برای تحلیل جنبش‌های اجتماعی متنوع زنان ارائه می‌کند. در این قسمت با استفاده از نتایج تحقیقات پیشین و دستاوردهای تجربی تحقیق حاضر به آزمون تئوری هونت در خصوص تأثیر این ساختارها در شکل‌گیری تنوع مطالبات و جنبش زنان پرداخته می‌شود تا پاسخی علمی به سوالات تحقیق مبنی بر چرایی و چگونگی شکل-گیری جنبش‌های متنوع زنان در کشورهای مسلمان داده شود.

نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نشان داد، اساساً نوع مطالبات سازمان‌های زنان در کشورهای مورد بحث بیش از آن‌که تابعی از ساختارهای قومیتی و یا مذهبی باشد، متأثر از ساختار سیاسی آن‌ها است. در واقع این گزاره خود مهر تأییدی بر اصول پایه‌ای مکتب فرانکفورت است که سیاست را بخش قدرتمند و تعیین‌کننده در عرصه نظام اجتماعی می‌داند و اعمال نفوذ آن بر دیگر حوزه‌ها را بیشتر از مذهب و قومیت می‌داند که تابع عرصه جهان زیست است.

این نتیجه در تحقیق مائده رضایی نیز به‌شکل مشابه گزارش شد. او معتقد است فقدان جامعه مدنی پرتوان در عربستان و وجود جامعه مدنی گسسته در کویت، عراق و بحرین موجب تفاوت میان این کشورها در شناسایی حقوق شهروندی زنان شده است (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۸۵). منصور معدل نیز در مقایسه میان کشور ایران، عراق و افغانستان نتیجه‌گیری مشابهی می‌کند (Moadel, 2010). والتین مقدم تأثیر ساختار سیاسی را در ارتباط با سیاست‌های جنسیتی در ایران و افغانستان مورد بررسی قرار داد. گزارش مطالعه او در راستای تأیید نتایج این تحقیق نشان داد مهمترین عامل در تبیین تنوع جنبش زنان در کشورهای اسلامی تفاوت ساختارهای سیاسی است (Moghadam, 1989: 54). ماریا کاراد همزمان ساختار سیاسی را در ارتباط با استعمار در نظر گرفت و تأثیر آن را بر جنبش زنان در تونس، الجزایر و مراکش سنجید. در همه این مطالعات سهم ساختار سیاسی در جنبش و گفتمان زنان به شکل معنی‌داری بیش از دیگر عوامل تأیید شده است (Charrad, 1999: 69).



نتایج حاصل از رگرسیون و تحلیل‌های درختی در این مطالعه نشان داد مقدار بتا در خصوص سهم ساختارهای سیاسی در تبیین تنوع مطالبات زنان (۸۴/۰) و در تبیین تنوع جنبش زنان (۲۴/۰) بیش از دیگر عوامل است.

با توجه به نتایج به دست آمده مطالبات زنان در کشورهایی که فاقد تمرکزگرایی سیاسی ولی با غلبه یک قوم واحد مواجه اند، نظیر مطالبات انجمن زنان حاشیه‌ای در ترکیه به دلیل ایجاد بحران در نظام اخلاق به رسمیت‌شناسی، تنوع مطالبات مدنی در عرصه نظام هویتی شکل می‌گیرد. اگر چه در این کشور طی زمامداری حزب اسلام‌گرا -عدالت و توسعه- سیاست‌های دموکراتیک دولت موجب آزادی‌های سیاسی بود، اما تبعیض علیه گروه‌های مختلف سبب به حاشیه راندن اقلیت‌های قومیتی و فمینیست‌های سکولار شد. به همین دلیل با توجه به نتایج تجربی به دست آمده نزاع برای به رسمیت‌شناسی هویت زنان در ترکیه موضوع مبارزه را به سمت نقد حقوق و قواعد اسلامی برده است به طوری که مبارزه زنان ترکیه علیه ساختارهای مذهبی حاکم شکل گرفته است. نتایج این مطالعه نشان داد ایدئولوژی‌رهای بخش جنبش زنان در انجمن زنان حاشیه‌ای استانبول در پرتو اندیشه‌های سکولار- لیبرال تعریف می‌شود. این رویارویی گرایش‌ها در نتایج مطالعه نازیبا کاندیوتی هم به صورت مشابه گزارش شده است.

کاندیوتی در گزارشی که از مطالعه‌اش ارائه داده است، گفتمان اصلی جنبش زنان ترکیه در دوره حاکمیت سکولارها را مبارزه زنان اسلام‌گرا در مقابل حزب JHP می‌داند که مدافع سرسخت اصول کمالیسم هستند. اسلام‌گرایان با تأکید بر ترکیه به عنوان یک کشور عضو کنفرانس اسلامی سعی در هژمونیک کردن گفتمان خود دارند و سکولارها با تأکید بر ترکیه به عنوان داوطلب عضویت در اتحادیه اروپا بر گرایش سکولار خود تأکید می‌کنند (Kandiyoti, 1998:29).

در مصر هم همچون ترکیه وجود سلطه یک‌جانبه موجب شکل‌گیری جنبش‌هایی علیه اختلال در به رسمیت‌شناسی شده است، با این تفاوت که ساختارهای سلطه در این کشور در عرصه سیاسی تمرکزگرا و سلطه‌طلب درحالی که فاقد غلبه قومیتی است. بر اساس همین منطق نظری موضوع مبارزه انجمن زنان و جامعه عرب در مصر به دلیل ایجاد بحران در نظام اخلاق به رسمیت‌شناسی، حول تنوع مطالبات مدنی و آزادی‌های سیاسی برای گروه‌های



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۶۲

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

اسلام‌گرا شکل گرفته است. از آن‌جاکه در شناسایی هویت زنان اسلام‌گرا در این کشور اختلال ایجاد شده است، این گروه از زنان علیه سیاست‌های سکولار حکومتی مبارزه می‌کنند. طبق نتایج مطالعه حاضر گرایش زنان در مصر ارتقاء منزلت اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی زنان است و موضوع مبارزه حول محرومیت سیاسی (۷۰/۴ درصد) است.

تا این‌جا مشخص است در هر دو جنبش (ترکیه و مصر) تلاش برای تغییر وضع موجود و وجود مقاومت از سوی گروه‌هایی که شناسایی آنان مختل شده یا به توافق‌های بعدی موکول شده وجود دارد، اما تفاوت این دو جنبش در شیوه مقابله و ایدئولوژی‌های بخشی است که هر یک از آنان برای خود تعریف کردند. این مقایسه در تحقیق کیلی هالر انجام گرفت. نتایج این مقایسه یافته‌های تحقیق حاضر را تأیید می‌کند. یعنی چون در ترکیه مطالبات سازمان‌های زنان در یک بستر دموکرات‌تر نسبت به مصر مطرح می‌شود نیازی به استفاده از روش‌های خشونت‌بار وجود ندارد. او در گزارش خود بر آن است که در مصر اختلال در شناسایی زنان اسلام-گرا در جنبش اصلاح‌طلب اخوان المسلمین و رادیکال‌های احیای اسلامی علیه سازمان ملی مصر به ریاست سوزان مبارک شکل گرفته است. به دلیل وجود سرکوب‌های شدید دولت علیه اسلام‌گرایان استفاده از اعتصاب و شورش و استفاده از ترور و خشونت در این جنبش بیش از جنبش علیه اختلال در به رسمیت‌شناسی زنان در ترکیه گزارش شده است. او در مورد ترکیه به این نتیجه رسید اگرچه دولت اسلام‌گرا به مطالبات زنان سکولار کمتر بها می‌دهد، اما وجود آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی مشارکت سکولارها را در جنبش افزایش داده است. به همین دلیل سازمان‌های فمینیستی سکولار با استفاده از مذاکره و چانه‌زنی با دولت و ائتلاف‌های پایدار با سازمان‌های بین‌المللی و غربی مانع از اختلال در شناسایی زنان ترک می‌شوند (Haller, 2003).

تفاوت این دو کشور -مصر و ترکیه- به لحاظ عملکرد سازمانی موضوع تحقیق آیسو گورپینار و احمد کورو هم قرار گرفت. گورپینار پس از بررسی ساختار سازمانی ۲۴ سازمان غیردولتی زنان در ترکیه و ۱۷ سازمان در مصر نتیجه گرفت اگر چه رویکرد غالب گزینش رهبر جنبش زنان در هر دو کشور بر پایه انتخابات است، اما میان روابط سازمانی، سطح فعالیت، روابط دولت با سازمان و شیوه مبارزه دو جنبش تفاوت معنی‌داری وجود دارد (Gurpinar, 2006). کورو نیز در تحقیقی مشابه ساختار سازمان زنان را در ترکیه و مصر مورد



مقایسه قرار داد و متوجه شد سطح فعالیت و شیوه مدیریت سازمان زنان در دو کشور تفاوت معناداری ندارد، اما جهت مبارزات آن‌ها کاملاً متفاوت است. آزمون همبستگی پیرسون نشان داد میانگین تعداد اعضاء سازمان و میزان تحصیلات اعضاء سازمان زنان در ترکیه با سطح فعالیت و شیوه مدیریت جنبش در ارتباط است (Kuru, 2010: 325). در تحقیق دیگری که توسط شریفی و دارابی منش انجام داد چرخش در سیاست خارجی ترکیه پس از سال‌های ۲۰۰۲ مورد بررسی گرفت، در این مطالعه رهیافت مذهبی حزب عدالت و توسعه از یک سو و گرایش به سمت مواضع اعتدال‌گرایانه در این کشور زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی اعلام شده است (شریفی و دارابی منش، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

نتایج حاصل از این تحقیق در راستای تأیید نتایج مطالعه هالر نشان می‌دهد اگر چه جنبش غالب زنان در ترکیه و مصر از نوع اختلال در شناسایی هویت زنان است، اما به لحاظ مشخصات زمینه‌ای اعضاء جنبش و عملکرد سازمانی که نشان‌گر تنوع جنبش زنان هستند میان این دو کشور شباهت بیشتری وجود دارد. در حالی که در خصوص موضوعات مبارزه جنبش و گرایش‌های اعضاء نسبت به مشارکت زنان در هر یک از این جنبش‌ها تفاوت بیشتری به دست آمده است. نتایج حاصل از درصد وزنی در این مطالعه نیز نشان داد علی‌رغم تفاوت این دو جنبش در خصوص نوع ایدئولوژی‌های بخش، اما در هر دو کشور جنبش زنان برای تضعیف ساختارهای مذهبی که حکومت در صدد تحمیل آن است و تحقق منزلت اجتماعی زنان تلاش می‌کند. حال آن‌که در مصر به دلیل وجود سلطه سیاسی روش مبارزه سازمان خشن‌تر از ترکیه است.

در مجموع مقایسه این دو مورد نشان داد جنبش زنان در مصر و ترکیه علی‌رغم تفاوت‌های معنی‌داری که با یکدیگر دارند در زمره جنبش‌هایی علیه اختلال در شناسایی هویت زنان قرار دارند که در آن گروه‌های مختلف دارای مطالبات هویتی مشخص علیه ساختارهای مردسالار هستند.

از مهمترین نتایج این مطالعه وضعیت جنبش زنان در عربستان سعودی به لحاظ سطح پایین توسعه و توانمندسازی جنسیتی است که در تحقیق الخادر به آن توجه شده است. او با توجه به چالش‌برانگیزترین موضوع مطالبه زنان سعودی از رژیم سعودی که به مسئله حق تردد و کارت شناسایی مربوط است نتیجه می‌گیرد نوع مطالبات زنان در عربستان تابعی از



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۶۴

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

سطح پایین توسعه و توانمندسازی جنسیتی است. اما برخلاف موضع الخادر در این مطالعه موضوع مطالبات زنان سعودی تابعی از سلطه سیاسی، مذهبی و قومیتی در این کشور است. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون در مطالعه الخادر نشان داد تنها ۲۷٪ از مطالبات زنان در عربستان با توجه به وضعیت شاخص‌های توسعه و توانمندسازی جنسیتی قابل تبیین است (Al-Khader, 2011). حال آن‌که مقدار رگرسیون در این تحقیق ۶۶ درصد به دست آمد و این نشان دهنده شدت اثرگذاری متغیر مستقل پیش‌بینی شده است. در واقع از یک سو وجود تمرکز شدید نظام مردسالار در ساختار سیاسی - مذهبی عربستان و ادغام سیاست خاندان آل سعود با تفاسیر مردسالارانه مفتی‌های وهابی و از سوی دیگر تأکید عربستان بر دیپلماسی مبتنی بر دین که خود ریشه در نقش رهبری آن‌ها در میان برخی ممالک اسلامی دارد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۹)، موجب شده است که ساختارهای مذهبی مردسالار و سیاست‌های خاندان آل سعود حاکم شوند. زیرا از یک سو اتخاذ سیاست‌های ارتجاعی در قبال زنان و عدم رسیدگی به شکایات آن‌ها در یک دادگاه صاحب صلاحیت وظیفه دولت است و از سوی دیگر نقض توافق‌نامه‌های بین‌المللی در قبال زنان توسط دولت انجام می‌گیرد. نتایج این تحقیق نشان داد ۷۵ درصد از پاسخگویان گرایش به سمت مبارزه سیاسی داشتند و ۵/۶۲ درصد موضوع مبارزه خود را علیه ساختارهای سیاسی مطرح کردند. همچنین نتایج این مطالعه وجود برخورد و تنش میان دولت و جنبش را به دلیل ساختار سیاسی اقتدارگرا در سطح بالا تأیید می‌کند.

بر اساس منطق نظری مورد استفاده این تحقیق در کشور عربستان ساختارهای سلطه به صورت همه‌جانبه هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه قومیتی - مذهبی جنبش زنان را تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین طبق گزارش سازمان ملل از نتایج توسعه انسانی در کشور عربستان وضعیت توسعه جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی پایین است، اما نتایج مربوط به مشخصات اعضای کمیته اسلامی بین‌المللی زنان و کودکان نشان داد ۵/۳۷ درصد از اعضای تحصیلات فوق و بالاتر و ۲/۵۶ درصد دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند. ۲/۵۶ درصد از پاسخگویان در عرصه خدمات و ۸/۴۳ درصد در حوزه صنعت اشتغال دارند. این وضعیت نشان از شکاف میان وضعیت اعضای جنبش و توده زنان در جامعه عربستان دارد. موضوع اصلی مبارزه زنان سعودی طبق نتایج این تحقیق دستیابی به حقوق مدنی اولیه و

ایدئولوژی رهایی بخش جنبش، تبعیت از اسلام اصلاح طلب و اندیشه سکولار- لیبرال است که این مشخصات جنبش زنان عربستان را در زمره جنبش‌هایی علیه انکار در شناسایی حقوق زنان قرار داده است. اگرچه در مجموع مطالبات زنان در جنبش غالب عربستان منحصربه فرد است، اما به لحاظ مشخصات اعضاء مشابهت‌هایی با جنبش مالزی دارد؛ به لحاظ گرایش جنبش، موضوع مبارزه و عملکرد سازمانی به مورد مصر شبیه تر است. زیرا تأثیر ساختارهای سیاسی در تبیین تنوع مطالبات و جنبش زنان زیاد است وجود شباهت در ساختار سیاسی میان این دو کشور موجب چنین مشابهت‌هایی در نوع مطالبات زنان شده است.

در شرایطی که زنان در این کشور هنوز به عنوان یک «خود» به رسمیت شناخته نشده‌اند و حقوق اولیه آنان نظیر برخورداری از یک کارت شناسایی مستقل نقض می‌شود بارزترین وجه مبارزه زنان علیه انکار شکل گرفته است. بنا به تئوری هونت در شرایطی که زنان سعودی برای کسب اعتماد به نفس مبارزه می‌کنند در جنبش‌های علیه اختلال در شناسایی، زنان به دنبال کسب حرمت و منزلت اجتماعی هستند.

نمونه مخالف نظریه هونت در این تحقیق کشور مالزی است. در این کشور تبیین جنبش زنان و بررسی مطالبات آنان تابع بسیج منابع است، زیرا ساختارهای سلطه نه در عرصه سیاسی و نه در عرصه قومیتی جنبش زنان را محصور نکرده است. به همین دلیل جنبش‌های زنان در این کشور با بحران در نظام اخلاق به رسمیت‌شناسی مواجه نشده است. در مالزی موضوع مبارزه توانمندسازی و تقویت خود زنان از طریق مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و باورهای قالبی است به همین دلیل گرایش اعضاء به سمت ایدئولوژی ملی‌گرایی در حرکت است. تقویت گفتمان ناسیونالیسم در مالزی نشان دهنده اهمیت و توجه جنبش به مطالبات همه زنان به عنوان عضوی از جامعه مالزی فارغ از قومیت، مذهب و مشخصه‌های دیگر است. از این رو در کشور مالزی نماینده جنبش زنان یک سازمان ائتلافی و تکثرگرا است که مطالبات آنان را فرا مذهبی و فرا قومیتی مورد توجه قرار می‌دهد و چون درون یک نظام سیاسی دموکرات امکان فعالیت دارد فارغ از تمرکز و سلطه ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی موضوع توسعه و توانمندسازی جنسیتی را مطمح نظر قرار می‌دهد که هدف اصلی در جنبش‌های رهایی بخش است.

این نتایج در گزارش سیسیلیا از مطالعه مقایسه‌ای خود در مورد وضعیت جنبش زنان در



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام  
جمعیت در اسات العالم الاسلامی

۱۶۶

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

مالزی و اندونزی تأیید شد. سیسیلیا در این مطالعه به توصیف ویژگی‌های جنبش زنان در این دو کشور پرداخت و در نهایت نتیجه گرفت گرایش به سمت گروه‌های ائتلافی و سازمان‌هایی با مدیریت گروهی در مالزی بیش از اندونزی است او همچنین وجود جنبش‌های تکثرگرا در مالزی را ۴/۲ برابر بیشتر از اندونزی گزارش کرد. در این مطالعه تصریح شده است که ۸/۷۲ درصد از اعضای جنبش در سازمان‌های زنان مالزی علی‌رغم شباهت دینی و تعلق قومیتی واحد برای ارتقاء سیاسی و اجتماعی زنان بسیج شده‌اند درحالی‌که جنبش‌های ائتلافی در اندونزی ۶/۵۴ درصد است. این گزارش با وضعیتی که در این مطالعه از وضعیت جنبش غالب در مالزی ارائه شد سازگار است (Cecilia, 2009).

نکته قابل تأمل در خصوص یافته‌های تحقیق حاضر این است که مطالبات زنان در جنبش غالب مالزی شباهت‌های بسیاری به جنبش زنان ترکیه دارد و این نشان از اهمیت ساختارهای سیاسی در تعیین سرنوشت جنبش‌های رهایی‌بخش دارد. پس از بررسی‌های مقایسه‌ای بیشتر از یک سو شباهت‌هایی میان جنبش زنان در مصر و عربستان این نکته را پررنگ‌تر کرد. اگر چه از نظر تئوری تحقیق این نمونه‌ها در قالب ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی متفاوتی قرار دارند، اما نتایج حاصل از آزمون رگرسیون و تحلیل درختی در این مطالعه نشان داد سهم ساختار سیاسی در تبیین تنوع مطالبات و تنوع جنبش زنان به‌هیچ وجه با ساختارهای قومیتی و مذهبی برابر نیست. از این رو علی‌رغم تعلق هر یک از این جنبش‌ها به نوع متفاوت برحسب تشابه ساختار سیاسی شباهت‌هایی در موضوع، گرایش، عملکرد و مشخصات زمینه‌ای اعضای جنبش مشاهده شده است.

شباهت مطالبات زنان در کشورهای ترکیه با مالزی که ساختار قومیتی- مذهبی متفاوتی دارند و تنها در حوزه سیاسی مشترک هستند به‌شکل قابل توجهی مدعای فوق را تأیید می‌کند و از طرف دیگر تشابه مطالبات جنبش زنان در مصر با عربستان هم علی‌رغم تفاوت در ساختارهای قومیتی و مذهبی و شباهت در ساختار سیاسی دلیل دیگری بر تأیید این ادعا است.

اگر چه تئوری هونت با توجه به سهم نظام سیاسی در تعیین سرنوشت جنبش‌های اجتماعی و قدرت نظام اجتماعی در استعمار زیست جهان قادر به تبیین دلایل این مسئله است، اما بررسی دلایل اهمیت ساختار سیاسی در شکل‌بخشیدن به تنوع مطالبات زنان



می‌تواند موضوع مطالعه محققان دیگر قرار گیرد. من حیث المجموع با توجه به نتایج تجربی به‌دست آمده در این تحقیق در مقام آزمون تئوری هونت می‌توان ادعا کرد این تئوری قادر به تبیین تنوع جنبش زنان در کشورهای مورد بررسی است؛ زیرا:

اولاً، مقدار رگرسیون خطی نشان داد سلطه سیاسی، قومیتی و مذهبی قادر به تبیین ۶۶٪ از تنوع مطالبات جنبش غالب زنان در کشورهای ترکیه، مصر، عربستان و مالزی است. بنابراین مقدار شدت ارتباط میان متغیر مستقل و وابسته می‌توان اطمینان حاصل کرد میان ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی رابطه معنی‌دار وجود دارد. ثانیاً، نتایج حاصل از تحلیل درختی نشان داد میان جنبش زنان در کشورهای مورد بررسی به‌لحاظ ساختار سیاسی بیشترین تمایز وجود دارد و پس از این متغیر سهم ساختارهای قومیتی قابل توجه است. همچنین موضوعات مبارزه زنان در مقایسه با گرایش اعضاء به جنبش و عملکرد سازمانی بیشترین سهم در تفکیک کشورهای مورد بررسی دارد.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام



## کتابنامه

- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۷۶)، «از محافل زنانه تا تشکلهای مستقل زنان؛ راهی به سوی جامعه مدنی»، مجله فرهنگ توسعه، ویژهنامه زنان، ص ۱۲ تا ۱۸.
- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۸۰)، «فمینیسم/اسلامی در نگاهی به روزنامه زن و مجله زنان، مجموعه زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها، تهران: توسعه.
- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۷)، «زنان در جوامع اسلامی مدرن»، ترجمه و تلخیص رزا افتخاری، تهران: مجله زنان، سال هفتم. ش ۵۴، ص: ۴۰ تا ۵۲.
- اشرف‌نظری، محمد (۱۳۸۷)، «غرب، هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشتهای غرب از اسلام»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۱۰.
- بدران، مارگوت (۱۳۸۶)، «فمینیسم/اسلامی»، ترجمه ناهید کشاورز، دسترسی در: سایت اسلام و لائسیت، ۱۵ مهر ۱۳۸۶.
- بری، اکسفورد (۱۳۸۷)، سیاست یا ضدسیاست در رسانه‌های جدید و سیاست، ترجمه بابک دریکی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری.
- پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی کمی عوامل مؤثر بر بروز تضادهای قومی در دولت‌ملت‌های چندقومی جهان، بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹، رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- توحیدی، نیره، (۱۳۸۴)، فمینیسم، دموکراسی و اسلام‌گرایی، ترجمه علیه عباسی، لوس‌آنجلس: کتاب‌سرا.
- حاضری، علی‌محمد (۱۳۹۱)، تحلیل جامعه‌شناختی تنوع جنبش زنان در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه، مجله مطالعات اجتماعی ایران، س ۶، ش ۲، ص ۳۰ تا ۵۳.
- دان، رابرت. جی. (۱۳۸۵)، نقد اجتماعی پسامدرنیته: بحران‌های هویت، ترجمه صالح نجفی، تهران: شیرازه.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۱)، الگوهای ساختاری و اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، زمستان، ص ۱۵ تا ۳۹.
- رضایی، مائده (۱۳۸۵)، حقوق سیاسی زنان در کشورهای اسلامی عربی: بحرین، عراق، عربستان، کویت و لبنان، فصلنامه بانوان شیعه، س ۳، ش ۷ و ۶، ص ۲۶ تا ۲۵۹.
- رضایی، محمد و عباس کاظمی (۱۳۸۷)، بازنمایی اقلیت‌های قومی در سریال تلوزیونی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، س ۱، ش ۴، ص ۴۰ تا ۶۷.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.
- زاهد، سعید و بیژن خواجه‌نوری (۱۳۸۴)، جنبش زنان در ایران، شیراز: ملک.
- زنگی‌آبادی، علی و میرنجف موسوی (۱۳۸۸)، تحلیل فضای نابرابری جنسیتی و شاخص‌های مربوط



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهشهای بای جهان اسلام

به آن، *فصلنامه جغرافیایی آمایش*، ش ۷، ص ۳۹ تا ۵۷.

ساکی، امل (۱۳۸۸)، *مدل‌های درختی بقا و کاربرد آن‌ها در تحلیل زیرگروه‌های مشابه بیماران مبتلا به سرطان کولورستال*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشگاه تربیت مدرس.

ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی.

سعداوی، نوال، رئوف عزت، هبه و عباس محمدی، (۱۳۸۲)، *نیمه دیگر: نابرابری حقوقی زنان در بوتۀ نقد*، ترجمه مهدی سرحدی، تهران: ناقد.

سمیعی اصفهانی، علی‌رضا و عبدالرضا فتحی مظفری (۱۳۹۰)، «دانشگاه اسلامی، مؤلفه‌ها و راهبردها»، دومین کنگره ملی علوم انسانی، ص ۷۸ تا ۹۰.

شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۶)، *زن ایرانی، یک مسئله سیاسی*، مجله فرهنگ توسعه، س ۶، ویژه زنان، ص ۱۱ تا ۳.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن، حمید سردار (۱۳۹۱)، *الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: موردکاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی*، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۲، ش ۴، ص ۱۰۳ تا ۱۲۸.

صادقی گیوی، فاطمه (۱۳۸۲)، *قدرت و اخلاق جنسی در ایران، از قرن ۳ پیش از اسلام تا قرن ۴*، رساله دوره دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.

طالبان، محمدرضا (۱۳۸۵)، *تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی، مطالعه‌ای بین‌کشوری*، رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

قانع‌راد، محمدامین و فرهاد خسروخاور (۱۳۸۶)، «جنبش‌های اجتماعی جدید: پایان مبارزه برای رفاه و سیاست‌های اجتماعی؟»، *مجله رفاه اجتماعی*، س ۶، ش ۲۵، ص ۲۳۵ تا ۲۶۷.

قانع‌راد، محمدامین و نعیم محمدی، (۱۳۸۸)، «جنبش‌های پسافمینیستی و مسئله کلیت انسان»، *مجله پژوهش زنان*، ص ۳۳ تا ۵۳.

الکردستانی، مثنی امین (۱۳۸۸)، *فمینیسم: جنبش آزادی‌بخش زنان*، ترجمه عبدالظاهر سلطانی. تهران: حافظ ابرو.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی*، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.

محمدشریفی، مجید و مریم دارایی‌منش (۱۳۹۲)، «راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۳، ص ۱۲۷ تا ۱۵۰.

محمدی، نعیم (۱۳۸۹)، «تحول در معنای خانواده چندهمسری، از صدر اسلام تا امروز»، *مجله آینده‌پژوهی مسائل خانواده*، ج ۲، ص ۱۹۹ تا ۲۲۱.

- محمدی، نعیمه و محمدتقی شیخی (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی کشمکش در خانواده‌های چندهمسر»، *مجله تحقیقات زنان*، س ۲، ش ۴، ص ۳۸ تا ۲۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر مطالعات زنان*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، *از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیرازه.
- مک‌لافین، جانیس (۱۳۸۹)، *زنان و نظریه اجتماعی و سیاسی: مناظرات و گفتگوهای جاری*. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: شیرازه.
- مور، برینگتن (۱۳۶۹)، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- میرحسینی، زیبا (۱۳۸۵)، *آواهای تازه فمینیستی در جهان اسلام*، *مجله زنان*، س ۱۵، ش ۱۳، ص ۵۸ تا ۴۶.
- هاردینگ، سندرا (۱۳۸۵)، *برگرفته‌ای از تجربه‌گرایی فمینیستی تا شناخت‌شناسی‌های دارای دیدگاه فمینیستی*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- Acar, Farideh. (1991). Women in The ideology of Islamic revivalism in Turkey: Three Islamic women, s journals, *Annual review of sociology*, No28, Pp 359-386.
- Akal, Emel Aslan. (1996). *Women and socialism in Turkey: case of progressive women, s organization*. MSc thesis, METU.
- Akrawi, M., & El-Koussy, A. A. (1971). Recent trends in Arab education. *International review of education*, 17(2), 181-197.
- AL- Krenawi. (1999). Women of polygamous marriages in primary health care centers, *Contemporary family therapy journal*, Vol 3. No 21, Pp 417-430.
- Al-Ali, N. (2006). *The women's movement in Egypt, with selected references to Turkey*. United Nationsresearch institute for social development, civil society and social movements programme, Papernumber 5, April 2002. Accessed 2 February 2010, from <http://www.unrisd.org/unrisd/website/>.
- Al-Fayaz, K. (1978). *Educational development of Saudi Arabia: a case study of the government propelled sociology*, Fetcher women and islamization: contemporary dimensions of discourse on gender relations, pp 45-72.
- Al-Khader, Abdelaziz. (2011). *Saudi Arabia: the story of a state and society, a reading of the experience of the last third of a decade of intellectual, political and developmental transformations*. 3th edition, Arab network for research and publication.
- Atakav, Atil Eylem. (2007). Mona Lisa in veils: cultural identity politics, religion and feminism in Turkey, *Feminist theology*, Vol 14, Pp11-20.
- Badran, Margot. (2005). between secularism and Islamic feminism: reflection between Middle East and beyond, *Journal of Middle East women's studies*. Vol 3(1), Pp 3-19.

- Badran, Margot. (2009). *Feminism in Islam: secular and religious convergence*, One World Publishing, Oxford.
- Bare, Denise. L. (1999). The political interests of women: movement political reform and women s organizations, *Women in politics*, Edited by Lois Duke Whitaker, Vol 4, No 1, Pp 99-118.
- Feldman, Garry.(2011), New social women movements in islamic countries, *Feminism theory journal*, Vol. 115, No. 2, Pp 397-402.
- Finley.J.Nancy. (1999). Political activism and feminist spirituality, *Gender and religion journal*, Edit by William.H. Swatos, Vol 21, No 7, Pp158-172.
- Fleming, Ted, Finnegan, fergal. (2008). Honneth and recognition as sensitizing concept for narrative analysis: an Irish suggestion, *Social though journal*, Vol 2, No 1, Pp 40-55.
- Fraser. Nancy. (2004). *mapping the feminist imagination: from redistribution to recognition to representation*, London, combridge university.
- Freedom House. (2011). *Freedom in the world, methodology*, [http://www. Freedom house.org](http://www.freedomhouse.org).
- Hafez, Sherine. (2003). *the terms of empowerment: Islamic women activists in Egypt*, The American University in Cairo Press; Cairo, Egypt.
- Haller, Kelly. (2003). *Muslim women and the west: faith, feminism, and the quest for gender equality*. Master science of art in international relations, University of Arkansas.
- Honneth, Axel. (2004). Integrity and disrespect: principle of conception of morality based on the theory of recognition, *Political theory*, Vol. 20, No. 2, Pp187-201.
- . (2004). Recognition and justice: outline of plural theory of justice, *Acta sociologica*, Vol.47, No.4, Pp 351-364.
- . (1996). *Struggle for recognition: the moral grammer of social conflicts*, Translated by jeol Anderson, MIT press, Cambridge Massachusetts.
- . (2004). Recognition, redistribution, and justice, *Acta sociologica*. Vol.47, No.4, Pp 383-391.
- . (1992). Integrity and disrespect: principles of a conception of Moralitybased on theory of recognition, *Political theory*, Vol. 20, No.2, Pp187-201.
- . (2001). Recognition or redistribution? Changing respective on the moral order society, *Theory, culture and society*, 8(2-3), Pp 43-55.
- Horowitz, Shale. (2010). *Sources of ethnic conflict: lessons from sri lanka*, papper presented at the meeting of the international studies association, Town&Country



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۷۲

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

resort and convention center San Diego, California, USA, [http://www.allacademic.com/meta/p\\_99340\\_index.html](http://www.allacademic.com/meta/p_99340_index.html).

Hugh, Roberts. (1988). Radical islamism and the dilemma of algerian nationalism: The embattled arians of Algiers, *Third world quarterly*, No.2, Pp 567-70.

Jeremy Walentine. (2001). The hegemony of hegemony, *History of the human science journal*, Vol.14, No.1, Pp 88-104.

Kandiyoti, Nasia. (1991). Introduction the women, islam and the state, Philadelphia, Temple university press.

Karam. M. Azza. (1998). *Women, islaism and the state: contemporey feminism in Egypt*, United States of America and Martin, s Press (INT).

Keddie. Nikki. (1996). The roots of the ulama power in modern Iran, *Islamic women journal*, No. 29, Pp 31-53.

. (1979). Problems in the study of middel eastern women. *International journal of middle East studies*, 10, 225-240.

Marphy, M. (2010). On recognition and respect: Honneth inter subjectivity and education, *Educational futures journal*, Vol.2 (2), Pp 76-98.

Marshall, Gul Al dikacti. (2002). *Ideology, progress and dialogue a comparison of feminist and islamis women, s movement to the issues of head covering and work in Turkey*, Istanbul university press.

Marshall, Monty and Keith Jagger. (2002), *Political regime charactristics and transition, dataset manual*, Maryland: University of Mariland. Retrieved from: <http://www.cidcm.umd/inscr/polity>.

McCarthy, T. (2005). *Nancy Fraser and Axel Honneth: recognition or redistribution? A political-philosophical exchange*, The university of Chicago presses.

Moaddel, Mansoor. (1996). The social bases and discursive context of the rise of islamic fundamentalism: The cases of Iran and Syria, *Journal of sociological inquiry*, Vol.66, No.3, Pp 330-355.

. (2002). Jordanian exceptionalism: an analyisis of state – religion relationship in Egypt, Iran, Jordan, and Syria. *Middel east journal*. No. 5, Vol. 12, Pp 231-265.

. (2002). Study of islamic culture and politics: an overview and assessment, *Annual review of sociology*, No28, Pp 359-386.

. (2001). Religion and women: islamic modernism versus islam in modern Turkey, religion, *Politics and society journal*, Pp 280-303.

. (2010). Religious regimes and prospects for liberal politics: futures of

- Iran, Iraq and Saudi Arabia, *futures journal*, Vol.2, No.1, pp532-544.
- . (1998). Religion and women: islamic modernism versus Fundamentalism, *Journal for the scientific study of religion*, Vol. 37, No. 1, pp. 108-130.
- Moghadam, Valentine. (1989). Revolution, the state, islam and women: gender politics in Iran and Afghanistan, *Social text*. No 22, Pp 40-61.
- . (1994). *Gender and national identity*. London, Zed Books.
- . (2002). Islamic feminism and it, s discontent: Towards a resolution of the debate, *journal of women in culture and society*, No 27, pp 1135-1171.
- Oliver. Kelly. (2000). *Beyond recognition, witnessing subjectivity*, Minneapolis, University of Minnesota press.
- Ozcurumez, Saime. Sayan engiz, Feyda. (2010), On resilience and response beyond value change: transformation of women, s movement in post 1980 Turkey, *Women, s studies international Forum* (in press).
- Rinaldo, Rachel. (2010). The islamic revival and women,s political subjectivity in Malaysia , *Women,s studies international journal*, Forum33, Pp 422-431.
- Roberts, Julia. (2009). Feminism demands in islamic context, *Islamic research journal*, No1 (4), Pp 65-87.
- Rozario, Santi. (2006). The new burqa in Bangladesh: empowerment or violation of women s rights, *Women studies international journal*, No29, Pp368-380.
- Saktanber.Ayse. (2009). *Living islam women, religion and the politicization of culture in Turkey*. United state of American: Canada press.
- Seadat, Ali. (2010). The role of Egyptian education in the national struggle during British colonialism. Accessed 3 March 2011, from <http://www.huda.tv/articles/women-in-islam/189-womens-liberationthrough-islam>.
- Stuart, Anderia. (2011). Feminism: dead or alive in Turkey. *Middle east journal*, 48 (4): 645-60.
- Vanderwalle, Dirk. (1997). *Islam in Algeria: religion, culture, and opposition in a rentier state*, in JL Esposito (E), Political islam: revolution, radicalism or reform, London,Lynne Rienner, Pp 33-52.
- Walentine, Jeremy. (2001). the hegemony of hegemony, *History of the human science journal*, Vol14, No1, pp 88-104.
- Watanabe, Tsutomu. (2001). International comparison on the occurrence of social movements. *Journal of business research*. Pp: 806-812.
- Watanabe, Tsutomu. (2001). International comparison on the occurrence of social movements, *Journal of business research*, pp 806-812.



Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۷۴

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

Wuthnow, Robert. (1985). State structure and ideological outcomes, *American Sociological Review*, vol50, Pp799-821.

www. UNDP.org. HDI (Human Development Index) 2010.

---

به این مقاله این گونه استناد کنید:

محمدی، نعیم؛ جوانمرد، کمال، «مطالعه موردی جنبش‌های اجتماعی زنان در کشورهای ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۳، پاییز، ص ص ۱۴۵ - ۱۷۵.

